



شماره اول | فروردین نود و سه

با مطالبی از

مهدی مرادی زاده | عکس
هادی کیگاووسی | داستان
احسان میرحسینی | نجومی
شهاب آب روشن | سینما
جواد قاسمی | شعر
مستمان صالحی زاده | موسیقی
بهرروز عباسی | تئاتر
منیژه آقائی | جامه
احسان نفیسی | وبلاگ
نسترن محسنی | تصویر سازی





عکاسی با چشم سوم

« دیدن نادیده ها » نام نمایشگاه گروهی عکس از دوازده عکاس نابینا و کم بینا از نقاط مختلف دنیاست. سوالی که بیشتر از دانستن "چگونه این افراد قادر به ثبت تصاویر با المان های زیبایی شناسی هستند" در ذهنم چرخ میزند این است که چرا آنان دست به ثبت تصاویری زنند، تصاویری که قادر به دیدنشان نیستند. جواب شاید در قدرت تصور مغز پیچیده انسان باشد. تصویرسازی که در آن به حس بینایی نیازی نیست. توانایی که با ندیدن هم پرورش میابد. تفکر در مورد نوع ترکیب بندی که ذهن برای تصور کردن بکار می گیرد و استفاده آن بمنوان منطق در فریم عکس می تواند هیجان برانگیز باشد. ■

برخی از عکس های این نمایشگاه را در صفحات بعد می بیند. این آثار ارتباطی با متون درج شده ندارد.



داستان... هادی کیکاووسی

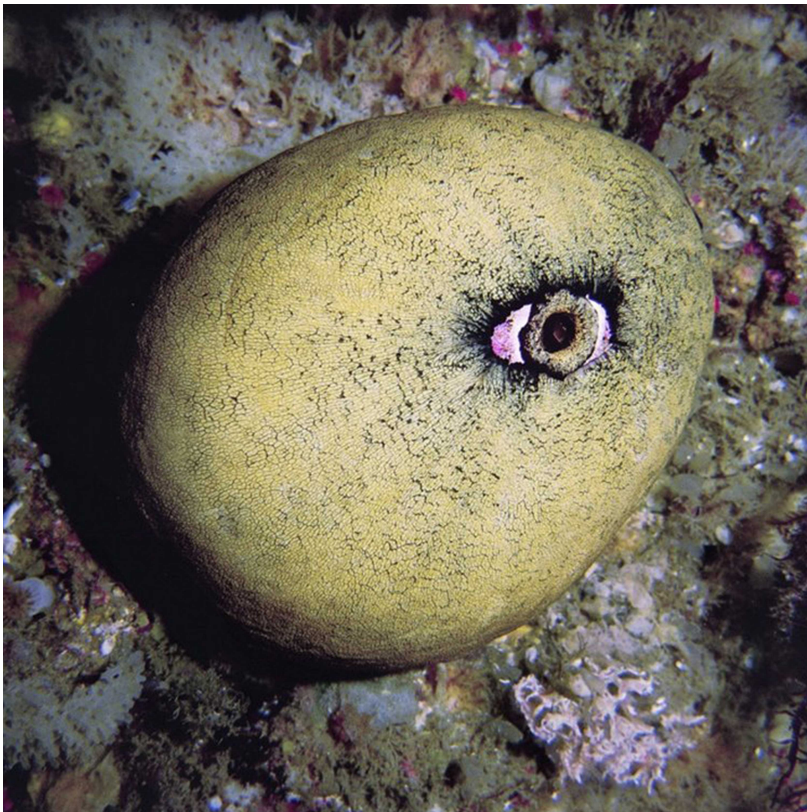
گور به گور

در شهری زلزله ای رخ داد. مردی میان آوار خانه اش مدفون شد و هرگز نخواست از آنجا خارج شود. او سالها در زیر آوار زندگی کرد. يك يك اعضای بدنش را از دست داد اما باز هم حاضر نشد از خرابه ی خود خارج شود. مردم شهر کم کم او را فراموش کردند. شهر به ترقی و شکوه رسیده بود و تنها خانه ی مرد ویران انگشت نما بود. شهردار عاقبت در نطقی آتشین مرد ناسازگار را تنها عامل عدم یکپارچه گی شهر خواند. ساعاتی بعد مردم خانه را با ابزار هاشان صاف کرده بودند. حال شهر یکپارچه بود»

هنرمند، انسانی مانند دیگران

مارسل دوشان: "به عملکرد خلاقانه ی هنرمند اعتقادی ندارم. هنرمند انسانی است مانند دیگران، همین. کار اوست که به چیزهایی بپردازد، اما کسی که دادوستد می کند نیز به چیزهایی می پردازد." هنرمند مانند دیگر مردم با ابزار آلات کار می کند و دیگر ادعا ندارد که اثرش از دیگر دستاوردهای بشری متمایز است. نخستین کسانی که در دنیای امروز متوجه این موضوع شدند. کسانی اند که در بخش تبلیغات یا تصویرگری کار می کنند. لوسی لیپار منتقد هنری، فهرستی از نخستین حرفه های همه هنرمندان بزرگ پاپ را تهیه کرده است: "ار هول برای مجله مد کفش می کشید، لیختنشتاین طراح ویترین و طراح مد بود و اولدنبورگ تصویرگر روزنامه" این تغییر نگاه زاده هنر معاصر و به طور کل محصول جامعه معاصر است برای رسیدن به این دیدگاه باید تمام آموزه های خود را از اول بازنگری کنیم و همه جوانب پیچیده این مسئله را به درستی بررسی کنیم تا به درک عمیقی از این مفهوم برسیم ■

برداشتی از کتاب هنر معاصر تاریخ و جغرافیا | کاترین میه





سینما - شهاب آب روشن

مظلوم و بی گناه

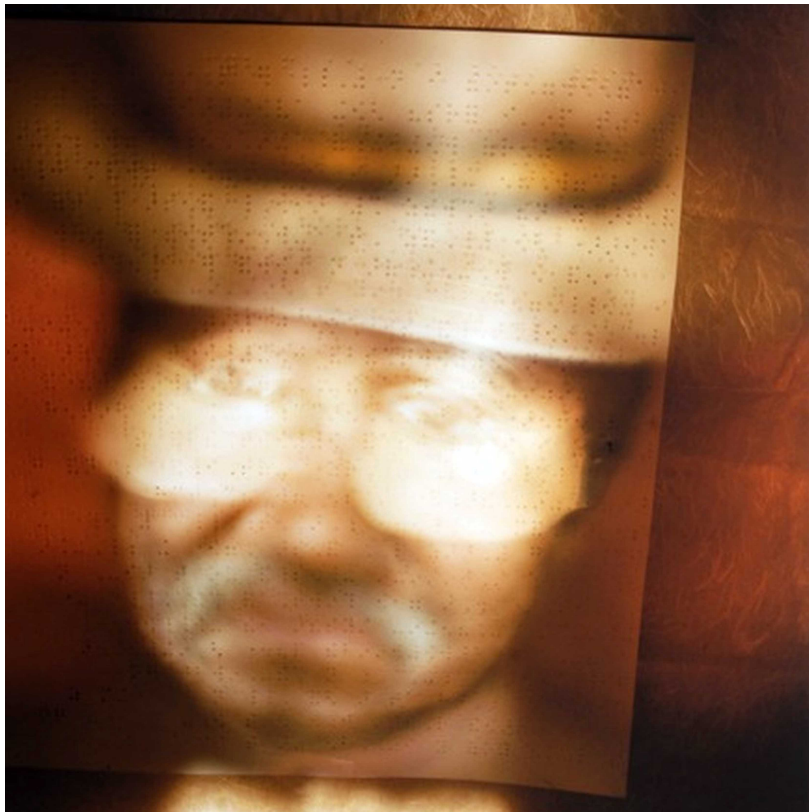
فیلم کوتاه بی سروصدا راهش را در دل موزیک ویدئوها، تیزرهای تبلیغاتی و سالن های سینما باز کرد. نبود دغدغه برای بازگشت هزینه ها همچون فیلم های بلند، آزادی عمل بیشتری به فیلمساز می داد که دست به خلق اثر ببرد. از این رو قصه و ایجاد هیجان دیگر در اولویت نبود. گاهی وجود يك ایده ناب که می تواند در شیوه روایت یا فرم های بصری اعلام حضور کند و بیننده را از منظر دیگری با دنیای پیرامونش آشنا سازد از محرکه های يك فیلم کوتاه خوب به شمار می آیند.

سوراج در پرواز پرچم
در عکس پیرمرد از زنی در دست
صف شیر بی کلسیم را
به استخوان های خورد شده کشانده است

.
همیشه جنگ عادت خوبی نداشته و ندارد
درد خونریزی و چند قرص ضدبارداری می زند بیرون

.
زن عکس در دست پیرمرد
عادتش را فراموش کرده است
با پوکی استخوان و پلاکی در گردن
می آید در صف
نوبتش را به جوانی پیرمرد می دهد
با شکمی بالا آمده

.
خون اما درد را در خود می پیچد
پیرمرد اما یادش نمی آید
زن در عکس
و بی تفاوت به سوراج در پرواز پرچم خیره می شود ■





موسیقی - مستمان صالحی زاده

وقتی مخاطب باستر کیتون را می خنداند

دو جاست که موسیقی آدم را می خنداند، یکی آنجا که بالا تنه اش را کُت پوشانده باشند و پایین تنه اش را شلووارک گلدار ، دوم جایی که نتیجه موسیقایی با لباس تمام مجلسی صد متر را زیر نه ثانیه بدود. نمونه آن لبخند شگفتی بر لب مخاطب آوردن است با زیادی تکنیک. هیچ اثری آنچنان جدی نیست که به یکی از این دو ندانم کاری هنری، مخاطب را نخنداند، در غیر اینصورت ژانگور شونده در نفهمیدن اثر و چهره ی از لبخند تهی اوست که باستر کیتون را می خنداند ■



بهرروز عباسی - تنانتز

قدرت بیپرده زیستن

مدتی پیش به بهانه دانشگاه تحقیقی انجام دادم در مورد زن در آثار ساموئل بکت، که در حال حاضر گم شده است. در پایان مقاله به این نتیجه رسیده بودم که زن در آثار این نویسنده نوعی دیگر دیده شده، مثلاً هیچ زن اغواگر، زیبا یا فریبکاری در نمایش نامه هایش خلق نشده و نویسنده در نظر ندارد برای بزرگ و جذاب کردن فضا مثل خیلی از نمایش نامه های دیگر از زن استفاده کند. در واقع در کارهای بکت زیاد زن و مرد بودن فرقی نمی کند، چون همه شخصیت ها در حال انحطاط تدریجی هستند، عدم ارتباط، نبود هیچ لذتی، درماندگی و ژولیدگی شخصیت ها همه و همه از جامعه ای حرف می زنند که در حال سقوط است.»



جامعه - منبزه آفایی

هم خانگی

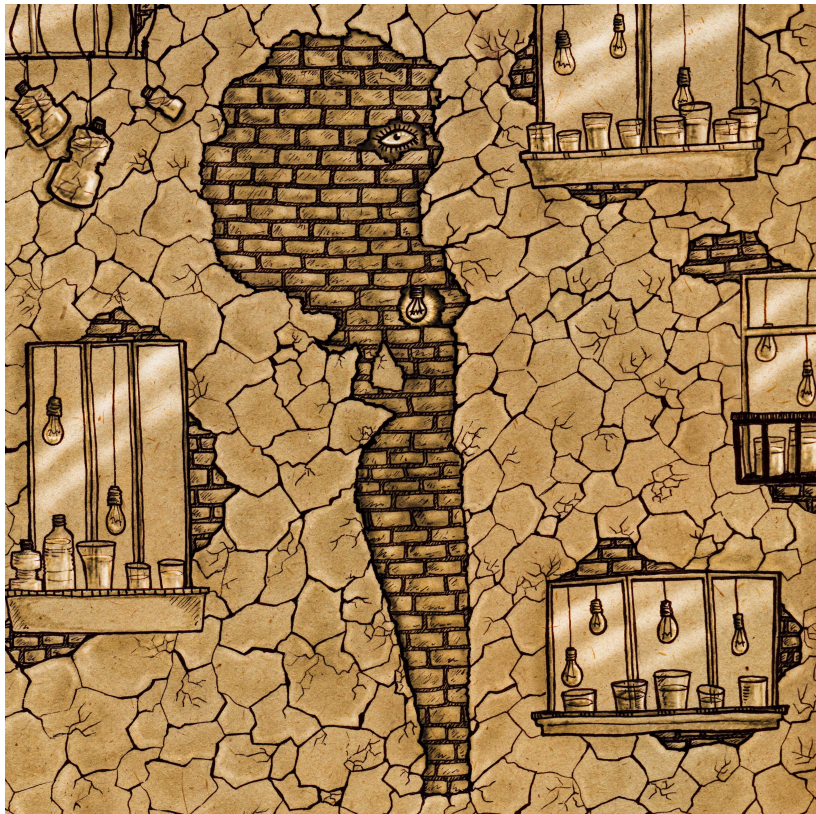
یکی از گونه‌های جدید روابط پیش از ازدواج، روابط مبتنی بر «هم‌خانگی» است که روبه افزایش است. این الگو به زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون ازدواج یا یکدیگر اشاره دارد. هم‌خانگی محصول فرایند تجدید ایرانی و گسترش جهانی شدن و ورود آن به ایران است. با تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی جامعه، به تدریج تغییرات اجتماعی متفاوتی را در داخل کشور پدید آورده. نتیجه‌ی این تغییرات اجتماعی که خود برآمده از تحولات اقتصادی و فرهنگی سال‌های اخیر است، پیدایش الگوهای هم‌خانگی در میان برخی از جوانان کشور بوده است.»



وبلاگ - احسان نفیسی

ما پر روها

ما پر روها هم ادم هستیم، حتا يك سر و گردن ادم تر از بقیه! برای ما، رو، يك مسئله صرفن شخصی نیست. برخلاف ادعای خیلی ها، سنگ پای قزوین هم نیست. يك رسالت ماورایی ست پر شدنش! فصل الخطاب ما منافع شخصی، گروهی مان است. دختر و پسر، پیر و جوان، توفیر ندارد. مسئله، "من" است برای ما. این پرویی، انواع گونه گون دارد. مثلن در جامعه، بی هیچ سواد و تجربه ای بیایی و بشوی اثرگذارِ فضای ب اصطلاح ... هیچی ■



تصویر سازی - نسترن محسنی

شایعه نیست، ابرهای این نواحی دچار بارندگی کاذب هستند!

جای سخن اول

قرار بود هر کدام از متن ها بیشتر از ۹۳ کلمه نشود. يك جاهایی شد. يك جاهایی هم نمی شد. به هر حال تلاش خودمان را کردیم که هر چه هست مفید باشد.
منتظر نظرات شما هستیم.
از دریافت متن با موضوع های مرتبط در این شماره استقبال می شود.

سر دبیر | شهاب آب روشن – احسان نفیسی
صفحه آرایی و طراح جلد | رحیم بودات
طراح نشانه | محسن مریدی

